

اخلاق
فصلنامه علمی - ترویجی در حوزه اخلاق
سال هفتم، شماره ۲۸، پیاپی ۵۰، زمستان ۱۳۹۶
صفحات ۱۳۰-۱۰۹

AKHLAGH
Religious Extension Quarterly
No.28/ \WINTER 2018/Seventh Year

نظارت خانواده بر اطلاعات و ارتباطات فرزندان در شبکه‌های اجتماعی از منظر اخلاق علی اکبر شاملی*

چکیده

فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی و دسترسی آسان به آن‌ها موجب بروز آسیب‌های زیادی در نهاد خانواده شده است. برخی از این آسیب‌ها مستقیماً بر فرزندان تأثیر می‌گذارند که از آن جمله می‌توان به کلاه برداری، هک، ارتباط با افراد ناسالم، ارتباط با جنس مخالف و... اشاره کرد. خانواده‌ها وظیفه دارند در حد امکان با دور نگه داشتن فرزندان خود از این آسیب‌ها، امنیت آنان را فراهم کنند، گاهی این وظیفه، سرپرستان را ملزم می‌کند اطلاعات و ارتباطات فرزندان خود را بدون اجازه آن‌ها رصد کنند. البته این نوع نظارت، نقض حریم خصوصی فرزندان است. رعایت مرزبندی حریم خصوصی از یک سو و حفظ امنیت و آرامش خانواده از سوی دیگر، موجب شده تا میان این دو وظیفه، یعنی حفظ امنیت خانواده و نقض نکردن حریم خصوصی، تعارض ایجاد شود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با رجوع به منابع اصیل اسلامی، در پی پاسخ به این سؤال است که اصل اهم نسبت به مهم در این مسئله کدام است و وظیفه خانواده چیست؟

* دانشجوی دکتری اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم.



در نهایت، با تمسک به تقدّم امر دارای مصلحت بیشتر و با توجه به اینکه حفظ امنیت فرزندان و خانواده با اهداف اخلاقی و حفظ آبروی افراد مطابقت بیشتری دارد، حفظ امنیت خانواده، اصل اهم شناخته شد.

واژگان کلیدی

خانواده، اخلاق، آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی، نظارت بر فرزندان، امنیت خانواده.

مقدمه

در سال‌های اخیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی سایبر بسیار زیاد شده است. دسترسی آسان و ارزان به این شبکه‌ها موجب شده بسیاری از افراد آن‌ها را جایگزین تلفن و پیامک کنند. بیشتر کاربران این شبکه‌ها از قشر جوان جامعه هستند. شبکه‌های اجتماعی کارکردهای فراوانی برای این قشر دارد که برخی از این کارکردها مثبت و برخی دیگر منفی است. این شبکه‌ها می‌توانند در ارتباطات و جمع‌آوری اطلاعات مفید برای جوانان و نوجوانان سودمند باشند؛ اما دسترسی به کانال‌های مستهجن و ارتباط با جنس مخالف نیز مخصوصاً برای نوجوانان راحت‌تر شده است که فریب خوردن نوجوانان و سوءاستفاده از آن‌ها را در پی دارد.

پس از رواج این شبکه‌ها در جامعه ایران، برای بسیاری از خانواده‌ها نگرانی‌های بجایی ایجاد شد. فرزندان معمولاً ارتباطات و اطلاعات خود را از پدر و مادر مخفی می‌کنند. با چنین وضعیتی، خانواده در برابر فرزندان خود چه وظایفی دارد؟ آیا باید آن‌ها را به حال خود رها کند یا با قوه قهریه جلوانان را بگیرد؟ آیا حذف شبکه‌های اجتماعی ممکن است؟

گسترش آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی بر اهمیت وظیفه خانواده‌ها در این باره افزود. یکی از وظایف مهم خانواده به‌منزله جامعه کوچک، حفظ آرامش و امنیت همه اعضاست. این وظیفه اولاً و بالذات بر عهده سرپرست خانواده و بعد بر عهده هریک از





افراد خانواده است. بنا بر این فرض، آیا درست است سرپرست خانواده برای حفظ آرامش و امنیت خانواده بر اطلاعات و ارتباطات فرزندان خود نظارت کند؟

این مسئله دو وجه دارد: نخست اینکه سرپرست خانواده با این کار، اصل اخلاقی «احترام به حریم خصوصی افراد» را زیر پا گذاشته است. این کاری شک عملی غیراخلاقی است. از سوی دیگر، اگر سرپرست خانواده فرزندان را رها کند، ممکن است امنیت خانواده که حفظ آن از وظایف اخلاقی اوست از بین برود و این امر هم عملی غیراخلاقی شمرده می‌شود. بنابراین، سرپرست خانواده بر سر یک دوراهی اخلاقی است و باید یکی از این دو راه را برگزیند. «ایجاد امنیت سایبری به رصد بیرونی خانواده نیازمند است و این کار با محافظت از حریم خصوصی فرزندان تضاد دارد. در این باره سؤال‌های زیادی مطرح می‌شود. یکی از سؤال‌های اخلاقی این است که در این دوراهی اخلاقی، کدام یک از دو اصل مقدم است: حفظ حریم خصوصی یا حفظ امنیت؟» (Brey, 2007: 5-6).

فقه یا حقوق شاید بتوانند برای این گونه دوراهی‌ها، پاسخی روشن ارائه دهند. برای مثال، علم فقه می‌تواند با توجه به اصل ولایت پدر بر فرزند به این مسئله به راحتی پاسخ دهد؛ اما رویکرد این مقاله اخلاقی است و بر اساس اصول اخلاقی‌ای که عموم جوامع پذیرفته‌اند درباره این مسئله تحقیق خواهد کرد.

پیش فرض این مقاله آن است که جمع دو موضوع حفظ امنیت و حفظ حریم خصوصی در این مسئله امکان پذیر نیست. ممکن است خانواده بتواند با برقراری ارتباط صحیح با فرزندان از اطلاعات و ارتباطات آن‌ها باخبر شود و آن‌ها را در مسیر درست هدایت کند؛ اما با فرض اینکه فرزندان اطلاعات و ارتباطات خود را از پدر و مادر مخفی می‌کنند و راه دیگری جز سرک کشیدن به رایانه یا تلفن همراه آنان وجود ندارد، پابندی به کدام یک از این دو اصل (احترام به حریم خصوصی و حفظ امنیت خانواده) برای سرپرستان خانواده ضروری است؟ گفتنی است مسئله این مقاله، بررسی تعارض‌های ابتدایی نیست، بلکه تعارض‌هایی مدنظر است که برای رفع آن‌ها همه راه‌های موجود آزموده شده اما مسئله حل نشده است.

این مقاله با روش تحلیلی توصیفی و با تمسک به منابع اصیل دینی و حکم عقل کوشیده است به سؤال فوق پاسخ دهد.

مفاهیم

بدان دلیل که درباره معنای مفاهیم علوم اجتماعی معمولاً اجماع نظر وجود ندارد، برای تبیین موضوع و مفاهیم این مقاله، نخست تعریفی برای مهم‌ترین مفاهیم ارائه می‌شود:

۱. شبکه اجتماعی

هرچند نخستین بار در سال ۱۹۴۵م، جی.ای بارنز اصطلاح «شبکه اجتماعی» را به کار برد، مفهوم شبکه اجتماعی از زمان‌های بسیار دور وجود داشته است؛ چنان‌که خانواده کوچک‌ترین شبکه اجتماعی است.

بارنز از اصطلاح شبکه اجتماعی برای تبیین ارتباط میان افراد روستایی در کشور نروژ استفاده کرد. او به این نتیجه رسید که می‌توان زندگی هر فرد را نقطه‌ای فرض کرد و این نقاط را با خطوطی به یکدیگر متصل نمود. با ترسیم این خطوط، یک شبکه به دست می‌آید که نشان‌دهنده ارتباط میان افراد در شبکه اجتماعی است (Cross, 2006: 12). اصطلاح شبکه‌های اجتماعی به روابط اجتماعی افراد اشاره دارد؛ مانند روابط افراد با خانواده خود و روابط روستاها، جوامع و مناطق مختلف. روابط خویشاوندی، معمول‌ترین مثال برای این ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی است (Lazer, 2008: 2).

برای شبکه‌های اجتماعی سایبری تعاریف زیادی ارائه شده است. بوید و الیسون در تعریف شبکه‌های اجتماعی می‌گویند: «شبکه‌های اجتماعی سرویسی خدماتی و زیر پوشش وب هستند که به افراد اجازه می‌دهند:

- یک پروفایل عمومی یا نیمه عمومی در سامانه بسازند؛
- به فهرست مفصل کاربران و ارتباطاتشان در شبکه دسترسی داشته باشند؛
- اطلاعات ارائه شده کاربران دیگر را در شبکه ببینند» (Boyd & Ellison, 2007: 211).



راین گلد در استدلالی می‌گوید: «شبکه اجتماعی سایبری معمولاً به معنای شبکه الکترونیکی ارتباطات متقابل است که محدوده‌اش را خود تعریف می‌کند و برای علاقه یا هدف مشترکی تشکیل شده است؛ گرچه گاهی ایجاد ارتباط فی‌نفسه به هدف تبدیل می‌شود» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۸۶). وی معتقد است یک اجتماع مجازی اجزایی دارد که عبارتند از:

- روابط فردی که شبکه اجتماعی را می‌سازد؛
- دسترسی آسان و آزاد برای ورود به اجتماع؛
- ملاقات‌های شخصی؛
- گفت‌وگو، بازخورد و تقسیم جزئیات؛
- یک تاریخ مشترک (Gattiker et al, 2001: 167).

شبکه‌های اجتماعی مجازی برای افراد این امکان را فراهم می‌کند تا با شمار زیادی از دوستان که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند، ارتباط برقرار کنند و احتمالاً بخش بزرگی از کاربران آن، جوانان هستند. والتر و رامیرز نیز ادعا می‌کنند «فیس بوک بزرگ‌ترین ابزار در سیستم‌های شبکه اجتماعی است. این سیستم‌ها راه‌هایی جدید و کارآمد برای حفظ روابط فراهم می‌کنند» (Walther & Ramirez, 2009: 302). به جرأت می‌توان گفت بزرگ‌ترین دولت‌ها را شبکه‌های اجتماعی تشکیل داده‌اند و بیشترین اعضا و اطلاعات را در اختیار دارند.

شبکه‌های اجتماعی هم کارکردهای مثبت دارند و هم کارکردهای منفی. برخی از کارکردهای مثبت آن‌ها عبارت است از: راحتی ارتباط، دستیابی به اطلاعات علمی، تشکیل گروه‌های خانوادگی و افزایش محبت و همبستگی میان آنان. در برابر این مزایا، این شبکه‌ها کارکردهای منفی نیز دارند؛ مانند عدم رعایت شئون اخلاقی، رواج هرزگی، توهین به دیگران، انتشار اطلاعات خصوصی افراد، برقراری ارتباط احساسی با جنس مخالف، اطلاعات زیاد اما بی‌فایده، کلاه‌برداری و هک. با وجود این آسیب‌ها



نمی‌توان این شبکه‌ها را به‌طورکلی از زندگی حذف کرد، بلکه باید با هدایت فرزندان در مسیر درست و نظارت بر آنان سعی کرد آن‌ها را از آسیب‌ها دور نگه داشت.

۲. حریم خصوصی

به دلیل وجود تفاوت در مبانی فلسفی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی، تعریف واحدی برای حریم خصوصی به دست نیامده است؛ لذا بسیاری از اندیشمندان به جای تبیین مفهوم حریم خصوصی، به دنبال معرفی مصادیق آن بوده‌اند. از مصادیق حریم خصوصی می‌توان به حریم مکانی، جسمانی، حیثیتی، خانوادگی، لوازم شخصی، اطلاعات شخصی و ارتباط شخصی اشاره کرد (سروش، ۱۳۹۳: ۱۱ تا ۲۳).

البته در این میان برخی از اندیشمندان تعاریفی برای حریم خصوصی ارائه کرده‌اند؛ برای مثال، عده‌ای معتقدند حریم خصوصی، حقی برای همه افراد است و این حق از آن‌ها در برابر مداخله بی‌اجازه دیگران در زندگی شخصی حمایت می‌کند (Landwehr & Heitmeyer, 2011: 43). همچنین، برخی حریم خصوصی را حقی می‌دانند که از افراد در برابر مداخله دیگران در زندگی شخصی و خانوادگی - چه با ابزار مستقیم و چه غیرمستقیم - حمایت می‌کند (Shostack & Syverson, 2004: 31). برخی دیگر نیز برای این حریم خصوصی ارکانی مشخص کرده‌اند؛ مثلاً روت‌گیسون سه رکن اساسی محرمانگی (رازداری)، گمنامی (ناشناسی) و خلوت (انزوا و تنهایی) را برای حریم خصوصی در نظر گرفته است (ایران‌پور، ۱۳۹۱: ۳۲). بعضی نیز حریم خصوصی را نظارت فرد بر اطلاعات خود تعریف کرده‌اند (parent, 1983: 269).

بنابراین، مفهوم و ماهیت حریم خصوصی از مقولات نسبی است؛ یعنی مفهوم آن براساس زمان، مکان و باورهای اجتماعی متفاوت است و تعریف واحدی برای آن وجود ندارد. به همین دلیل، برای شناخت و تعریف حریم خصوصی باید از معیارهای شخصی و نوعی بهره گرفت. حریم خصوصی جایی است که فرد در آن احساس امنیت کند و این احساس امنیت موجب می‌شود اطلاعات و وسایل گرانبهای خود را، دور از دسترس دیگران، در آنجا قرار دهد.



حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی سایبری به معنای محافظت از اطلاعات و ارتباطات شخصی و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از این اطلاعات و ارتباطات علیه کاربران است؛ لذا کاربران شبکه‌های اجتماعی دوست ندارند اطلاعات و ارتباطات شخصی آن‌ها برای همگان آشکار شود یا دیگران از آن سوءاستفاده کنند. «در بسیاری از موارد، حریم خصوصی افراد در شبکه‌های اجتماعی و اینترنت از سوی افراد مختلفی مانند کارفرمایان، خانواده‌ها، ارائه‌دهندگان اینترنت و دولت‌ها نقض می‌شود» (Bennett, 2001: 197).

۳. امنیت

یکی از مطالبات همیشگی انسان‌ها امنیت بوده است. بدون امنیت، زندگی آدمی دچار مشکل می‌شود و از بین خواهد رفت. احساس آرامشی که در نتیجه برقراری امنیت به دست می‌آید با هیچ حس دیگری قیاس شدنی نیست. مسئله اساسی این است که امنیت از مفاهیمی است که به تعریف نیاز ندارد و خودش را تعریف می‌کند؛ اما در این مقاله سعی خواهد شد با وجود گستردگی در معنای امنیت، محدوده‌های مبحث مشخص شود. امنیتی که این مقاله در نظر دارد، اعم از امنیت اطلاعات و ارتباطات و امنیت جسمانی و روانی است و حتی امنیت اقتصادی را نیز شامل می‌شود.

از میان گونه‌های امنیت، امنیت روانی مهم‌تر است. اگر امنیت روانی از بین برود، جامعه به راحتی خلل پذیر می‌شود. می‌توان گفت امنیت روانی، بر انواع دیگر امنیت حاکم است؛ به این معنا که کسی که اطلاعات و ارتباطاتش لومی رود یا از نظر مالی زیانی به او می‌رسد و امنیت اقتصادی خود را از دست می‌دهد، بیشتر از دیگران از نظر روانی دچار مشکل می‌شود. او اعتماد خود را به دیگران از دست می‌دهد و همین موجب می‌شود در هیچ‌جا احساس امنیت نداشته باشد و فشار روانی زیادی را تحمل کند.

کاربران فضای مجازی بدان دلیل که شبکه‌های اجتماعی را امن می‌دانند و حس ناشناس بودن در این فضا دارند، بعضاً اطلاعات و ارتباطات خود را در اختیار همگان قرار





می دهند یا خود را در معرض چنین امری می گذارند. این احساس امنیت را «امنیت سایبری» نامیده اند؛ هرچند به سبب اختلاف در اهداف، از این اصطلاح برداشت های متفاوتی شده است. برخی، هدف از امنیت سایبری را محافظت از حریم خصوصی افراد و سازمان ها می دانند و برخی دیگر، هدف از آن را حفظ امنیت کشور و امنیت ملی معرفی می کنند (brey, 2007: 5- 6).

خانواده نیز باید امنیت سایبری را برای فرزند خود فراهم کند؛ یعنی از یک سو نباید به حریم خصوصی او سرک بکشد و از سوی دیگر، باید امنیت خانواده را حفظ کند. این دو نوع برداشت از امنیت سایبری موجب بروز تعارضات اخلاقی از این دست می شود که خانواده چگونه باید هر دو امنیت را برقرار کند؟ در صورتی که ناگزیر از حفظ یکی و ترک دیگری شد، کدام یک بردیگری مقدم می شود؟ و دلیل رجحان یکی بردیگری چیست؟

نظارت بر خانواده از دیدگاه اخلاق

همان طور که گفته شد، یکی از وظایف اصلی خانواده ایجاد امنیت و آرامش برای همه افراد خانواده است. از طرفی، حفظ حریم خصوصی افراد نیز از وظایف همگانی است که خانواده ها را نیز باید آن را رعایت کنند. حال، اگر خانواده ها برای نظارت بر فرزندان خود مجبور شوند یکی از این دو اصل اخلاقی را نقض کنند، کدام یک بر دیگری مقدم است؟ «گاهی عملی از منظر اخلاقی به خوب و خوب تر یا بد و بدتر منتهی می شود؛ حل چنین مسائلی نیاز به معرفتی خاص دارد. این معرفت از طریق نیروی عقل از درون فرد و نیروی نقل برگرفته از وحی، عهده دار داوری در چنین مسائلی خواهد بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۳۹).

برای تصمیم گیری در دوره های اخلاقی، از سوی اندیشمندان اسلامی «در لابه لای کتاب های اصولی، تفسیری، اخلاقی، کلامی و فلسفی، تکالیف اخلاقی ارائه شده است. باید توجه داشت که راه حل های مطرح شده مانعة الجمع نیستند و برای موارد خاص تعارض، راهکارهای خاصی اعمال می شود و در برخی موارد، راهکارهای متعدد



به منزله مکمل هم به کار می‌روند» (خادمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۹). در میان اندیشمندان اسلامی، تقدّم امر اهم بر امر مهم، شهرت بیشتری دارد. یکی از راه‌های برون‌رفت از معضل دوراهاه‌های اخلاقی، تعیین اهمیت هر یک از دو اصل اخلاقی است. شناخت امر اهم صرفاً عقلانی است و جز با توجه و تفکر حاصل نمی‌شود. در مسئله یادشده انسان میان دو کار ناپسند می‌ماند که ناچار است یکی از آن‌ها را انجام دهد؛ لذا باید کار بدتر را کنار بگذارد و کار بد را انجام دهد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «عقل آن نیست که فقط میان خوب و بد تمیز دهد، بلکه عاقل آن است که از میان بدها بهتر را بشناسد» (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ۷۵). تاکنون ملاک‌های متفاوتی در تقدیم اهم بر مهم ارائه شده است. در این بخش مقاله، این ملاک‌ها را بررسی می‌کنیم و با مصداق یادشده، یعنی دوراهاه اخلاقی احترام به حریم خصوصی یا حفظ امنیت، مطابقت می‌دهیم. گفتنی است تعارض و دوراهاه اخلاقی موردنظر، دوراهاه‌ای واقعی است؛ به این معنا که فرض این مقاله آن است که راهی جز نقض یکی از این دو اصل وجود ندارد. به عبارت دیگر، خانواده‌ها نخست موظفند از راه‌های دیگری مثل محبت، همدلی و مشاوره برای حل چنین معضلاتی استفاده کنند یا جمع هر دو اصل را وظیفه خود قرار دهند؛ اما اگر هر یک از این راه‌ها سودمند نبود، یکی از این اصول اخلاقی را بردیگری مقدّم بدانند. بنابراین، راه‌حلی‌هایی مانند کنار گذاشتن هر دو اصل یا جمع آن‌ها منتفی و تنها راه حل، ترجیح اصل اهم بر اصل مهم است.

ملاک‌های تقدّم اهم بر مهم

۱. تقدّم امری که مصلحت بیشتری دارد

هریک از عالمان اخلاق، نظریاتی درباره ترجیح یک اصل اخلاقی بردیگری ارائه کرده‌اند. وظیفه‌گرایانی مانند «راس» معتقد بودند وظایف اخلاقی مطلق نیستند، بلکه «وظیفه در نگاه نخست» هستند؛ به این معنا که به این وظایف تا زمانی عمل خواهد شد که عمل



مهم‌تری نباشد و در صورت وجود عمل مهم‌تر، کنار گذاشته می‌شوند؛ مثلاً راست‌گویی کار خوب است، اما تا زمانی که عملی مهم‌تر جلو آن را نگیرد (Ross, 1930: 20 – 21). این وظیفه‌گرایان به انتخاب براساس وظیفه قائل هستند؛ یعنی فرد با نیت متابعت از قانون باید یکی از دوراهه‌هایی را که وظیفه خود می‌داند برگزیند.

در مقابل ایشان، غایت‌گرایان نظریات متفاوتی ارائه کرده‌اند. هریک از غایت‌گرایان، مفهومی را غایت معرفی کرده‌اند؛ برای مثال، عده‌ای لذت را غایت دانسته‌اند و در دوراهه‌های اخلاقی آن را که موجب لذت بیشتری می‌شود، مقدم می‌دارند. سودگرایان اخلاقی نیز معتقد بودند ملاک خوبی و بدی اعمال باید سود و مصلحت انسان‌ها در افعال اختیاری آن‌ها باشد؛ لذا عملی را اخلاقی می‌دانستند که بیشترین سود را برای بیشترین افراد به ارمغان بیاورد. عده‌ای از سودگرایان، صرفاً سود فاعل را در نظر گرفتند و عده‌ای دیگر، سود بیشتر افراد را لحاظ کردند. برخی از فیلسوف‌های سودگرا، سودها و لذت‌های معنوی را بر لذت‌های مادی ترجیح دادند و برخی دیگر بالعکس (Driver, 2014: 10).

در قرآن کلمه مصلحت نیامده است؛ اما خداوند بارها صالحان را رستگار خوانده است تا جایی که در سوره «عصر» همه انسان‌ها را به جز کسانی که صالح هستند و اعمال نیکو انجام می‌دهند، زیان‌مند معرفی می‌کند.^۱ یکی از معانی صالح، به نفع بودن و به مصلحت بودن است. مسعودی در تعریف مصلحت می‌گوید: «مقایسه بین بدی‌ها و خوبی‌ها یا نقص‌ها و کمال‌ها و اینکه در انجام یا ترک هرکاری برآیند مثبت آن در نظر گرفته شود» (مسعودی، ۱۳۸۹: ۴۶). قرآن نیز عمل صالح را عملی می‌داند که به سود دنیا و آخرت فاعل آن باشد. فرد در انجام دادن این عمل هم می‌تواند نفع شخصی خودش را لحاظ کند و هم می‌تواند نفع جامعه مسلمان را در نظر بگیرد. همچنین، در احکام اسلامی مصلحت و سود افراد، مهم شمرده شده است؛ مثلاً اگر روزه‌داری به مصلحت فرد نباشد و موجب ضرر رسیدن به او شود، وجوبش از بین

۱. ﴿وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَصَّوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَصَّوْا بِالصَّبْرِ﴾ (عصر، ۱ تا ۳).



می‌رود. «هر عملی براساس آثاری که در خارج دارد، به مصلحت یا عدم مصلحت، متصف می‌گردد. ترتب این آثار گاه مقطوع و زمانی مظنون و احیاناً مشکوک یا موهوم است. از این رو، لازم است درجه انتظار حصول نتیجه در حکم به تقدیم و تأخیر ملاحظه گردد.» (العالم، ۱۴۲۱ق: ۱۹۰).

اسلام با اصل مصلحت‌اندیشی و سودگرایی موافق است؛ اما خداوند را بهترین کسی می‌داند که می‌تواند سود و مصلحت افراد را مشخص کند؛ چراکه او خالق انسان است و از مصالح و مفاسد و اسرار زمین و آسمان آگاهی دارد.^۱ در اسلام برای سودگرایی دو شرط اساسی مشخص شده است تا براساس آن، خودگرایی و مادی‌گرایی در اولویت قرار نگیرد. اولین شرط آن است که سودها نباید صرفاً مادی باشند، بلکه سود اخروی بر سود دنیوی مقدم است. برای مثال، صبر بر مصیبت‌ها اگرچه سود دنیوی ندارد، دارای سود اخروی است و لذا خداوند اجر صابرا را در آخرت «بی حساب» معرفی کرده است.^۲ شرط دوم آنکه در محاسبه سود و مصلحت نباید صرفاً سود فردی در نظر گرفته شود، بلکه باید سود و مصلحت بیشتر افراد سهم ملاحظه شود.

الف. مصلحت اخروی

شاید محاسبه مصلحت اخروی قدری مشکل به نظر برسد؛ اما با رجوع به منابع اصیل دینی می‌توان میزان مصلحت‌های اخروی و دنیوی را محاسبه و براساس آن، اصل اهم را مشخص کرد. در مسئله مدنظر باید ببینیم نقض حریم خصوصی کاربر با کدام اصل دینی تضاد دارد و راه حل آن چیست. می‌توان گفت در اسلام نقض حریم خصوصی با تجسس در امور افراد مترادف است. در منابع اسلامی، تجسس، کاری ناپسند قلمداد شده است و موجب عذاب اخروی می‌گردد.^۳

۱. ﴿قُلْ أَتْرَكُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً﴾ (فرقان، ۶)؛ ﴿وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً﴾ (طلاق، ۱۲).

۲. ﴿إِنَّمَا يُؤَقِّبُ الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (زمر، ۱۰).

۳. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضاً﴾ (حجرات، ۱۲).



گویا منظور از تجسس در قرآن، جاسوسی از احوال مردم برای استفاده کردن علیه آنان در جهت غیرحق است؛ چراکه خداوند در قرآن بارها برخی از انواع تجسس را مجاز شمرده است. برای مثال، درباره جاسوسی مؤمن آل فرعون از دربار فرعون برای نجات جان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: ﴿وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ﴾؛ «و در این حال، مردی (مؤمن) از دورترین نقاط شهر مصر شتابان آمد و گفت: ای موسی، درباریان فرعون در کار توشورا می کنند تا تورا به قتل برسانند، زود از شهر بیرون گریز که من درباره تو بسیار مشفق و مهربانم» (قصص، ۲۰). همچنین، حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، همدرد را برای جاسوسی از وضعیت دربار ملکه سبا فرستاد.^۱ بنابراین، می توان گفت اگر تجسس دارای دو شرط یاد شده باشد، یعنی برای سوء استفاده علیه فرد نباشد و برای انجام دادن عملی به حق باشد، نکوهیده نیست.

نظر اسلام، افزون بر حریم خصوصی، باید درباره امنیت نیز بررسی شود. همان طور که گفته شد، درباره اهمیت مصالح هرامر، لازم است در محاسبه مصلحت بیشتر، مصلحت های دینی و اخروی بر مصلحت های دنیوی مقدم شود. به عبارت دیگر، باید مصالح کیفی جایگزین مصالح کمی شوند. بعد از رجوع به ادله شرعی و تفحص کامل معلوم می شود کدام یک از دو سوی تعارض، مصلحت اخروی بیشتری دارد. در آیات قرآن، نجات دادن جان یک انسان اهمیتی در حد نجات دادن تمام انسان ها دارد.^۲ در روایات نیز بر حمایت از انسان ها و نجات جان و مال و آبروی آن ها تأکید شده است؛ برای مثال، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «إِنَّ حُرْمَةَ عِرْضِ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دِمِهِ وَمَالِهِ»؛ «حرمت حیثیت و آبروی مؤمن، همانند حرمت جان و مال اوست» (تویسرکانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۲۲۶). همچنین، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث دیگری درباره کسانی که از آبروی مسلمانان دفاع می کنند، می فرماید: «مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أَخِيهِ كَانَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنْ

۱. ﴿أَذْهَبُ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِيهِ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَأَنْظَرُ مَاذَا يَرْجِعُونَ﴾ (نمل، ۲۸).

۲. ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (مانده، ۳۲).



التَّارِ؛ «کسی که از حیثیت و آبروی برادر دینی خود دفاع کند، برای او هفتاد هزار سپراز آتش جهنم خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۷۵: ۲۵۳). بنابراین، براساس ادله‌ای که حفظ امنیت را وظیفه افراد دانسته و نقض حریم خصوصی را اگر برای سوءاستفاده و ناحق نباشد جایز شمرده‌اند، حفظ امنیت خانواده امری مهم و بر حفظ حریم خصوصی مقدم است.

ب. مصلحت بیشتر افراد

مصلح عام، مصلح همه یا بیشتر مردم را شامل می‌شود؛ ولی مصلح خاص، مصلحت افراد کمتری را در نظر می‌گیرد. این قاعده به این معناست که هرگاه دو اصل اخلاقی با هم تعارض پیدا کرد، آن اصلی انتخاب می‌شود که افراد بیشتری را دربرمی‌گیرد. (الخادمی، ۱۴۲۱ق: ۱۲۳). بنابراین، باید معلوم کرد کدام یک از این دو اصل افراد بیشتری را شامل می‌شود و بیشترین سود را برای بیشترین افراد حاصل می‌کند. البته این نکته مهم است که نوع مصلحت و سود باید از سوی خداوند مشخص شود و باری تعالی سود اخروی را بر سود دنیوی و سود جمیع مسلمانان را بر سود یک فرد مقدم می‌داند. با توجه به اینکه در اسلام مصلحت بیشتر افراد مدنظر است، این سؤال پیش می‌آید که کدام یک از دو اصل بیشترین مصلحت را به دنبال دارد. در این گونه موارد، نمی‌توان یک حکم کلی داد؛ برای مثال، نمی‌توان گفت همیشه حفظ امنیت کاربران مقدم است، بلکه در هر مسئله تفکری اخلاقی لازم است تا وظیفه افراد مشخص شود؛ اما می‌توان قواعدی را پیش فرض قرار داد تا برای نمونه‌های مشابه اقدام مناسب صورت گیرد. طبعاً برای هر فرد به تنهایی، حفظ حریم خصوصی مصلحت‌آمیزتر است؛ اما وقتی در جست‌وجوی قاعده‌ای کلی برای این مسئله باشیم، پی می‌بریم که حفظ امنیت می‌تواند بر حفظ حریم خصوصی مقدم شود؛ چراکه اولاً حفظ حریم خصوصی صرفاً مصلحتی فردی است، اما حفظ امنیت مصلحتی جمعی است و همه اعضای خانواده را شامل می‌شود؛ برای مثال، اگر سرپرست خانواده به حریم خصوصی فرزندش احترام بگذارد و آن



را نقض نکند و در مقابل، فرزند بی تجربه با بی‌مبالاتی خود را در خطر بیندازد و مثلاً اطلاعاتی از خانواده در اختیار افراد سودجو قرار دهد یا در دام کلاه برداران بیفتد و بخشی از اطلاعات فردی یا پول خود را از دست بدهد، این خطاها بر زندگی چه کسانی تأثیر خواهد گذاشت؟ به نظر می‌رسد حریم خصوصی کاملاً شخصی است؛ اما مشکلاتی که به دلیل نظارت نداشتن بر فرزندان به وجود می‌آید، شخصی نیست و همه افراد خانواده را درگیر خواهد کرد. بنابراین، گاه سرپرست با نقض حریم خصوصی یکی از فرزندان خود می‌تواند امنیت تمام خانواده و حتی آن فرزند را تأمین کند.

دوم اینکه، حفظ امنیت دارای حُسن ذاتی است. حفظ امنیت کاربران موجب آرامش روانی افراد در استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌شود. به دلیل محرمانه بودن زندگی هرکس، باید حریم خصوصی او تأمین شود تا احساس امنیت کند؛ اما اگر امنیت تمام کاربران از بین برود، آیا احترام گذاشتن به حریم خصوصی کاربر فایده‌ای دارد؟ در این صورت، آیا خود کاربری که حریم خصوصی‌اش حفظ شده است، از احساس امنیت هم برخوردار است؟ مطمئناً اگر امنیت از بین برود، دیگر کسی جرأت نمی‌کند از شبکه‌های اجتماعی استفاده کند و از مزایای آن‌ها بهره‌مند شود. می‌توان گفت حریم خصوصی، محصول برقراری امنیت است؛ به این معنا که اگر امنیت نباشد، به طریق اولی حریم خصوصی نخواهد بود.

یکی از سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که آیا شمار افراد، نشانه اخلاقی بودن یک مسئله است یا نه؟ پاسخ این است که در برخی از نمونه‌ها، امری که افراد کمتری آن را پذیرفته‌اند، اخلاقی‌تر بوده است؛ برای مثال، اگر شمار افراد، نشان‌دهنده اخلاقی بودن یک عمل باشد، باید در جنگ کافران با مسلمانان که عموماً شمار مسلمانان کمتر بوده است، حمایت از کفار را پسندیده بدانیم. باید گفت در مسائلی مانند جنگ کفار با مسلمانان، موضوع حق و باطل مطرح است؛ یعنی یک طرف حق (خوب) و طرف دیگر، باطل (بد) است. برای تشخیص حق باید به مستندات و ادله هریک از طرفین رجوع کرد و طرف حق را برگزید و با باطل به مبارزه

پرداخت؛ اما در مسئله‌دوراهه‌های اخلاقی، گزینش یکی از دو امر بد دشوار است؛ از این رو، مجبوریم راه‌حلی برای برون‌رفت از این مشکلات بیابیم و یکی از این راه‌ها در نظر گرفتن شمار افراد طرفین است.

درباره‌تقدم مصلحت‌ها باید به این نکته توجه داشت که منظور از مصلحت، مصلحت چه کسی است و چه اندازه این مصلحت مهم است. بی‌تردید، مصلحت باید بیشتر افراد سهیم در یک عمل را مدنظر قرار دهد. شناخت مصلحت و کمیتی بودن آن این محاسبه را راحت‌تر خواهد کرد؛ برای مثال، وقتی هکرها یا گردانندگان شبکه‌های اجتماعی^۱ اطلاعات فرزند خانواده را که ممکن است عکس‌ها و شماره‌تلفن‌های خانوادگی باشد می‌دزدند، همه اعضای خانواده متضرر می‌شوند. پس، در این جا مصلحت تمام افراد خانواده بر مصلحت کاربر و حفظ حریم خصوصی او مقدم است.

حال، اگر فرض شود بدان دلیل که کاربر عکس‌های خانوادگی و شماره‌های افراد خانواده را در رایانه یا تلفن همراه خود نگهداری نمی‌کند، با هک شدن او هیچ اطلاعاتی از خانواده به دست دیگران نیفتاده است، آیا باز هم مصلحت افراد خانواده در خطر است؟ سلب امنیت فرد از سوی هکرس، چه هکران و گردانندگان شبکه‌ها، چه افراد عادی، موجب بروز اضطراب و غم و اندوه برای آن فرد می‌شود و این ناراحتی بر زندگی همه افراد خانواده تأثیرگذار است؛ به همین دلیل، امنیت روحی خانواده از بین می‌رود و در موضوع امنیت، میان امنیت اجتماعی و روحی افراد تفاوتی وجود ندارد. بنا بر مصلحت، در این جا حفظ امنیت خانواده بر حفظ حریم خصوصی که موجب سلب امنیت فرد و دیگران می‌شود، مقدم است. حفظ کیان خانواده بر هر چیز از جمله حفظ حریم خصوصی فرزندان مقدم است و وظیفه ابتدایی و مهم هر سرپرست خانواده به شمار می‌رود.

۱. ر. ک: خان محمدی و شاملی، «اخلاق اسلامی حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی سایبری»، مجله اسلام و مطالعات اجتماعی؛ ش ۱۴.





۲. تقدّم امری که با اهداف اخلاقی مطابقت بیشتری دارد

یکی از راه‌های برون‌رفت از دوراهی‌های اخلاقی، تقدّم امری است که با اهداف اخلاقی مطابقت بیشتری دارد. در آغاز، شناخت اهداف اخلاقی ضروری است. پس از شناخت اهداف اخلاقی، می‌توان مسائل را برآن اهداف حمل کرد. اگر عملی با آن اهداف سازگاری داشته باشد، خوب و در غیراین صورت بد است. در این مقاله دو هدف اهمیت دارد: یکی هدف کاربرودوم اهداف اخلاقی سرپرستان خانواده. نمونه‌های زیادی می‌تواند متعلّق این اهداف باشد؛ مثلاً عده‌ای از غایت‌گرایان هدف را سود و عده‌ای دیگر، میزان لذت معرفی کرده‌اند؛ اما در این مقاله سعی شده اهداف اخلاقی براساس منابع و نظریات اخلاقی اسلام تعیین شود.

در اسلام هدف از خلقت انسان‌ها، عبادت و قرب الهی معرفی شده است؛ لذا عالمان اخلاق معتقدند هر عملی که افراد را بیشتر به خداوند نزدیک کند، اخلاقی و هر عملی که انسان را از خداوند دور کند، غیراخلاقی است.^۱

عملی موجب قرب الهی می‌شود که هم حُسن فاعلی داشته باشد و هم حُسن فعلی منظور از حُسن فاعلی آن است که عمل با نیت تقرب و رضای الهی انجام شود. منظور از حُسن فعلی آن است که آن عمل بذاته خوب باشد و خداوند نیز به آن راضی باشد. بنابراین، عملی که بذاته خوب است و با نیت تقرب الهی انجام شود، عمل خوبی است. احترام به حریم خصوصی و امنیت، هردو، حُسن فعلی دارند؛ یعنی بذاته خوبند و هرکدام با نیت قرب انجام شود، عملی کاملاً اخلاقی خواهد بود؛ اما درباره‌ی تعارض این دو اصل باید گفت خداوند حفظ امنیت افراد را جزو وظایف انسان قرار داده و از تجسس‌هایی که برای سوءاستفاده یا ناحق باشد نهی کرده است. بنابراین، اگر امنیت همه‌ی اعضای خانواده حفظ شود، از اطلاعات افراد علیه آنان استفاده نشود و راهی جز نقض حریم خصوصی کاربربرای حفظ امنیت نباشد، خداوند از انجام دادن آن عمل

۱. ر.ک: مصباح یزدی، محمدتقی، تقد و بررسی مکاتب اخلاقی.



(حفظ امنیت) راضی است. حال، اگر سرپرستان خانواده چنین عملی را برای رضای الهی انجام دهند، ارزشی دوچندان خواهد داشت.

اولین و بالاترین وظیفه‌ای که سرپرستان خانواده برعهده دارند، حفظ امنیت و کیان خانواده است و در انجام این وظیفه فرقی میان فضای حقیقی و فضای مجازی نیست. این، هدفی خاص است که تحقق آن از سرپرست خانواده بیشتر برمی‌آید تا از افراد دیگر. طبق این هدف، دو وظیفه برعهده سرپرستان است: نخست آنکه باید موانع حفظ امنیت خانواده را رفع کنند و دوم اینکه نباید امنیت خانواده را خودشان به خطر بیندازند. نقض حریم خصوصی اگرچه با وظیفه دوم آن‌ها در تضاد است، برای اعضای خانواده حتی برای او که حریم خصوصی‌اش نقض شده است امنیت ایجاد می‌کند. بنابراین، حفظ امنیت کاربر و خانواده با اهداف اخلاقی سرپرستان مطابقت بیشتری دارد.

۳. تقدّم حفظ آبروی افراد بر هر چیز

در میان علمای اسلام مرسوم است در تعارضات، حفظ جان و عرض را بر حفظ مال مقدّم می‌دارند؛ چراکه این دو از مسائلی است که اگر از بین برود، یا به دست آوردنی نیست یا بازسازی آن امری بسیار دشوار است. جان انسان اگر از بین برود، دیگر چیزی نمی‌تواند جایگزین آن شود و آبروی انسان نیز اگر از بین برود، به سختی می‌توان (یا شاید اصلاً نتوان) آن را به روز اول برگرداند؛^۱ اما اگر مال از دست برود، هرچند جبران آن سخت است، امکان پذیر است. حضرت امیرالمؤمنین ع درباره تقدّم آبرو بر مال می‌فرماید: «مِنَ التُّبْلِ أَنْ يَبْدَلَ الرَّجُلُ مَالَهُ وَيَصُونَ عَرَضَهُ»؛ «نشانه اصالت و بزرگواری است که کسی برای حفظ آبرو و حیثیت خود از مال و منالش بگذرد» (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۷۷).

کاربران شبکه‌های اجتماعی به فراخور اقتضائات این شبکه‌ها اقداماتی انجام می‌دهند که ممکن است اطلاعات و ارتباطات خود را به خطر بیندازند و امنیت خود و

۱. «إِذَا رَقَّ الْعَرَضُ أُسْتُصِيبَ جَمْعُهُ»؛ «وقتی آبرو ریخت و بی ارزش شد، دیگر جمع‌آوری و جبران آن دشوار خواهد بود» (اعلام‌الدین، ص ۳۰۳).



خانواده‌شان را از بین ببرند. براساس ادله دینی، کاربر نباید کاری انجام دهد که آبروی خودش را به خطر بیندازد.^۱ در بسیاری از نمونه‌ها، هنگام استفاده از فضای مجازی آبروی یک خانواده در معرض خطر قرار می‌گیرد؛ برای مثال، اگر کاربر از شبکه‌های اجتماعی برون‌مرزی استفاده کند و در دستگاه خود (رایانه و تلفن همراه) عکس‌های خانوادگی داشته باشد، ممکن است این اطلاعات و عکس‌ها از دو طریق در مخاطره باشد: اول با هک شدن از سوی کاربران دیگر؛ دوم از طریق شبکه‌های اجتماعی. اگر این عکس‌ها در اختیار سودجویان قرار بگیرد، موجب هرگونه سوءاستفاده مانند اخاذی، نشر و... می‌شود و این‌گونه آبروی یک خانواده به خطر می‌افتد.

حال، این سؤال مطرح می‌شود که در جاهایی که آبروی افراد در خطر است، آیا حفظ آبرو بر حفظ حریم خصوصی مقدم است یا خیر؟ به جرأت می‌توان گفت حفظ آبرو بر هر چیزی مگر جان انسان مقدم است؛ مخصوصاً اگر فقط آبروی کاربر در میان نباشد، بلکه آبروی تمام افراد خانواده در خطر باشد. در این موارد، حفظ آبروی خانواده بر حفظ حریم خصوصی افراد مقدم است و سرپرست خانواده می‌تواند با نظارت هدف‌مند، فرزندان را در مسیری قرار دهد که آبروی خانواده به خطر نیفتد.

اگرچه براساس ادله عقلی و شرعی، در این موارد حفظ آبرو بر حریم خصوصی فرد مقدم است، وظیفه اخلاقی سرپرست خانواده این است که آبروی تک‌تک افراد خانواده را مهم بشمارد؛ برای مثال، پدری که با نقض حریم خصوصی فرزندش، به دنبال حفظ امنیت و آبروی خانواده است، در صورتی که به اطلاعاتی دست یابد که ممکن است افشای آن موجب ریختن آبروی فرزند شود، نباید آن را علنی کرده و آبروی فرزند را در خانواده ببرد. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «مَنْ كَفَّ عَنْ أَعْرَاضِ الْمُسْلِمِينَ أَقَالَهُ اللَّهُ عَشْرَةَ يَوْمٍ الْقِيَامَةِ»؛ «کسی که از آبروریزی و لطمه زدن به حیثیت مسلمانان خودداری کند، خداوند از لغزش‌های او در روز قیامت خواهد گذشت» (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۷۵: ۲۵۶). بنابراین، حفظ آبروی تک‌تک افراد خانواده، از جمله خود کاربر، از وظایف سرپرستان خانواده است.

۱. «لَا تَجْعَلْ عَرَضَكَ غَرَضًا لِنِيَالِ الْقَوْلِ»؛ «آبرو و اعتبار خودت را آماج تیرهای حرف مردم قرار مده» [نهج البلاغه، نامه ۶۹].

نتیجه

فراگیری شبکه‌های اجتماعی، موجب بروز آسیب‌های زیادی شده است. خانواده‌ها برای حفظ امنیت فرزندان در بعضی موارد ناگزیرند حریم خصوصی فرزندان خود را نقض کنند. قاعدهٔ تقدّم اهم بر مهم، خانواده‌ها را وامی‌دارد از میان این دو اصل یکی را برگزینند. در این مقاله مصلحت بیشتر، مطابقت با اهداف اخلاقی و تقدّم حفظ آبرو، ملاک‌های تشخیص اهم بر مهم شمرده و بر مصداق مدنظر تطبیق داده شد.

بر اساس ملاک‌های نام‌برده، در دوره‌های اخلاقی میان احترام به حریم خصوصی و حفظ امنیت تمام اعضای خانواده، «حفظ امنیت خانواده و خود کاربر»، اصل اخلاقی اهم است؛ زیرا مصالح بیشتری (مصلحت اخروی و تعداد افراد بیشتر) را دربردارد، با اهداف اخلاقی مطابق است و موجب حفظ آبروی افراد می‌شود. این نقض حریم خصوصی، امنیت همهٔ افراد خانواده، از جمله همان فردی که حریم خصوصی‌اش شکسته است، را برقرار می‌کند.

اخلاق چنین حکم می‌کند که خانواده‌ها تا جایی که امکان دارد میان این دو اصل اخلاقی جمع کنند، به حریم خصوصی کاربران احترام بگذارند و فقط هنگامی که هیچ راهی جز ورود به حریم خصوصی فرزندان نیست، از این راهکار استفاده کنند. پس خانواده‌ها نخست باید راه‌های دیگر را بررسی کنند و سپس در صورت لزوم، به حریم خصوصی فرزند خود وارد شوند. افزون‌براین، یکی از ملاک‌های اهم، حفظ آبروی خانواده از جمله خود کاربر است و اخلاقاً سرپرستان خانواده نباید آبروی فرزند خود را پیش دیگر افراد خانواده ببرند.





منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق)؛ *غررالحکم ودررالكلم*؛ قم: دارالکتاب الاسلامی.
۳. ایران‌پور، پرستو (۱۳۹۱)؛ «میزان سواد رسانه‌ای و نقش آن در استفاده از رسانه‌های تعاملی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۴. تویسرکانی، محمدنبی ابن احمد (۱۴۱۳ق)؛ *لثالی الاخبار*؛ ۵ ج، قم: مکتب‌العلامه.
۵. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۱)؛ *مفاتیح‌الحیاه*؛ قم: اسراء.
۶. خادمی، عین‌اله، علی‌حیدری و کبری‌عباسی کیا (۱۳۹۳)؛ «ارزیابی راه‌حل‌های اندیشمندان اسلامی در مواجهه با تزاحم تکالیف اخلاقی»؛ فصلنامه آینه معرفت؛ دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۳۹ تا ۱۵۲.
۷. الخادمی، نورالدین (۱۴۲۱ق)؛ *المصلحه المرسله حقیقتها و ضوابطها*؛ بیروت: دار ابن‌حز.
۸. خان‌محمدی، کریم و علی‌اکبر شاملی (۱۳۹۵)؛ «اخلاق اسلامی حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی سایبری»؛ *مجله اسلام و مطالعات اجتماعی*؛ ش ۱۴، ص ۸۰-۱۰۳.
۹. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸)، *اعلام‌الدین فی صفات المومنین*، قم، انتشارت آل‌البیت.
۱۰. سروش، محمد (۱۳۹۳)؛ *اصول حریم خصوصی (براساس منابع اسلامی)*؛ ج ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. العالم، یوسف حامد (۱۴۲۱ق)؛ *المقاصد العامه للشریعه الاسلامیه*؛ قاهره: دارالحدیث.
۱۲. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)؛ *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*؛ ترجمه احد علیقلیان، افشین خاک‌باز و علی‌پایا؛ ج ۱، تهران: طرح‌نو.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۳ق)؛ *بحار الانوار*؛ ۱۱۱ ج، بیروت: دارالاضواء.
۱۴. مسعودی، محمد هاشم (۱۳۸۹)؛ *ماهیت و مبانی کلامی تکلیف*؛ ج ۲، قم: بوستان کتاب.

۱۵. محمد بن حسین، شریف الرضی (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم، انتشارات مشهور.

16. Bennett, C. (2001); Cookies, Web Bugs, Webcams and Cue Cats: Patterns of Surveillance on the World Wide Web. *Ethics and Information Technology* 3(3), 195 – 208.

17. Brey, P. (2007); “Ethical Aspects of Information Security and Privacy”, in: *Security, Privacy, and Trust in Modern Data Management*, M. Petković and W. Jonker (Eds.), Springer Berlin Heidelberg, pp. 21-36.

18. Boyd, d.m, & Ellison, n.b (2007); “social network sites: Definition, history, and scholarship”; *Journal of computer- mediated communication*, http://jcmc.indiana.edu/vol13/issue1/boyd_ellison.html.

19. Cross, Richard (2006); “Social Network Analysis: an introduction”, *Social Networking*, http://www.bioteams.com/2006/03/28/social_network_analysis.html.

20. Driver, Julia, "The History of Utilitarianism"; *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2014 Edition); Edward N. Zalta (ed.), <http://plato.stanford.edu/archives/win2014/entries/utilitarianism-history>

21. Gattiker. E. & Perlusz. Stefano & Bohmann. Kristoffer & Morck Sorensen. Christian, (2001); *The virtual community: Building on social structure, Relation and trust to achieve value*, in *Community informatic reader*, edited by Keeble.L and Loader.B; London and New York, Routledg.



22. Landwehr.C.E and Heitmeyer.C.L and McLean.J.D (2011); “A security model for military message systems: Retrospective”; Naval Research Laboratory, Washington DC.
23. Shostack.A and Syverson.P (2004); “What price privacy, J. in Economics of Information Security”; The Netherland, Kluwer.
24. Parent, W, (1983); “Privacy, Morality and the Law”; Philosophy and Public Affairs, 12: 269–88.
25. Ross, W. D, (1930); the right and the good; oxford university press.
26. Lazer, David (2008); Introduction To Social Network Analysis; Director Program on Networked Governance Kennedy School of Government Harvard University.
27. Walther, J. B. & Ramirez, Jr. A (2009); “New technologies and new direction in nonline relating”; In S. Smith, & S. Wilson (Eds.); New directions in interpersonal communication (pp. 264-284); Thousand Oaks, CA: Sage.